

نقش کرامت انسانی در خود سازی فردی از نگاه قرآن

عاطفه قیّم^۱

چکیده

مسئله کرامت انسانی و نقش آن در خود سازی فردی از موضوعات مورد بحث در حوزه دین و قرآن می باشد. این موضوع از جمله موضوعاتی است که در قرآن نیز به آن تاکید شده است، انسان موجودی است که خداوند او را تکریم کرده است و تمام موجودات را در اختیارش گذاشته است و راه افزایش این کرامت را نیز به او معرفی کرده است و آثار بی توجهی به آن را نیز گوشزد کرده است. لذا با توجه به این که عدم وجود این خصلت در انسان باعث می شود انسان به راه های منحرفی کشیده شود و باعث ایجاد مشکلات روحی و فردی می شود، بیان آن، مورد اهمیت و ضرورت واقع شده است. در این تحقیق هدف بررسی نقش کرامت بر خود سازی فردی می باشد. که به صورت توصیفی تحلیلی و روش کتابخانه ای گردآوری شده است. از جمله یافته های این تحقیق این است که کرامت یکی از خصلت های روحی می باشد که وجود آن در انسان باعث تقوا و با ایمان شدن فرد می شود و عدم وجود این خصلت در انسان باعث ضعف ایمان و سست شدن او در انجام واجبات الهی می شود.

کلید واژه : تقوا، خود سازی، کرامت.

^۱ - سطح دو ، حوزه فاطمیه، atymodi9@gmail.com

مقدمه

کرامت مساله‌ای است که در برخی از جوامع بشری به فراموشی سپرده شده است. کرامت یکی از مواهبی است که در قرآن فقط به انسان اختصاص داده شده است. و بر هیچ مخلوق روی زمینی غیر از انسان موهبت کرامت بخشش نشده است. از این رو با کمک آیات قرآن کریم و کتب تفاسیر روایی به بیان اقسام کرامت و آثار آن بر خودسازی فردی می پردازیم. و از آن جایی که در قرآن کریم این موهبت مورد تاکید فراوان واقع شده است و انسان هایی که با اعمال ناپسند خود و ارتکاب رذائل باعث شده که این موهبت الهی را از خود دور کنند، و باعث انحراف شدن آن ها به مسیر اشتباه شده، لذا ذکر این مسئله مورد اهمیت و ضرورت واقع شده است. و هدف نیز بیان کرامت و نقش آن در خودسازی می باشد.

پیشینه تاریخی این مسئله به زمان های قبل از نزول قرآن برمیگردد اما در زمان نزول قرآن و زمان پیامبر اسلام مورد تاکید بیشتری واقع گردید.

در رابطه با پیشینه علمی نیز در رابطه با این موضوع کتب فراوانی و مقاله های متنوعی عنوان شده است؛ از قبیل کتاب «مبانی انسان شناسی» «نوشته عبدالله نصری» می باشد که در بخش اول آن برای کرامت و تقوا استفاده شده است. کتاب «صورت و سیرت انسان در قرآن» تایف «عبدالله جوادی آملی» که در فصل دوم آن برای مقاله استفاده شده است. کتاب «کرامت انسان» نوشته «حسین حقیقت پور» نیز که از فصل آخر آن استفاده شده است.

با توجه به مقدمه و بیان مسئله موضوع؛ پرسش های مقاله بدین صورت است که کرامت انسانی چه نقشی بر خودسازی دارد؟ اقسام کرامت را نام ببرید؟ شاخص های کرامت انسانی چه می باشند؟ و در آخر آثار آن بر خودسازی فردی چیست، می باشد که در مقاله به صورت مختصر آن را بیان می کنیم.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- تقوا

«تقوا» اسم مصدر از ریشه «و ق ی»، در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید و فوق العاده است.^۱ و در اصطلاح «تقوا» صفتی است که انسان را از گناه و نافرمانی خداوند متعال، باز می‌دارد و بر طاعت و بندگی او برمی‌انگیزد. به شخص متّصف به این صفت، متقی گفته می‌شود.^۲ در ادبیات معارف اسلامی به معنای حفظ خویشتن از مطلق محظورات است؛ اعم از محرّمات و برخی ترک بعضی از مباحات را نیز در تحقق این معنا لازم دانسته‌اند چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وجه نام‌گذاری پرهیزگار به متقی را، انجام ندادن برخی از مباحات به انگیزه پرهیز از حرام‌ها دانسته است. برای این اساس، عارفان افزون بردوری از محرّمات، اجتناب از لذت‌های حلال دنیوی را در مراتبی از تقوا لازم شمرده اند.^۳

۱-۲- خودسازی

لغت شناسان، خودسازی را (به تهذیب اخلاق خود کوشیدن و ظاهر خود آراستن) معنا کرده‌اند، اما در اصطلاح، خودسازی به معنای تکمیل و پرورش نفس و استفاده از تمایلات و خواست های نفسانی به صورت هم آهنگ و در جای مخصوص خود می‌باشد.^۴

۱-۳- کرامت

^۱ - ابن منظور، لسان العرب، ص ۴۰۲.

^۲ - جوادی، دائرة المعارف قرآن کریم ج ۸، ص ۴۴۶.

^۳ - اصفهانی، مفردات، ص ۵۳۱.

^۴ - دهخدا، لغت نامه، ج ۶، ص ۸۸۳۳.

«کرامت» در لغت به معنای «تعظیم» و «تنزیه» آمده است.^۱ و در اصطلاح به معنای «اخلاق» و «افعال نیکو و پسندیده» است.^۲ از جمله امور مهمی است که خداوند آن را به خود نسبت می‌دهد و خود را فاعل آن می‌داند و در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^۳ «ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا، بر مرکب‌های راهوار حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم». خداوند وقتی می‌خواست عالم را از عدم به وجود تبدیل کند سه گونه موجود را خلق کرد که برخی را فرشته و عقل محض قرار داد و برخی دیگر را حیوان که شهوت محض است خلق نمود و بعد با خلقت مخلوطی از حیوان و فرشته به نام انسان به خلقت خود رنگ تمامیت را پوشاند، و طبق آیه شریفه فوق انسان را به کرامت مزین ساخت که اگر عقل او بر شهوتش غالب شود، از فرشتگان برتر است و اگر شهوتش بر عقلش چیره شود، از حیوانات پست‌تر خواهد بود.^۴

کرامت که خداوند آن را از نعمت‌های ارزانی شده به بشریت معرفی کرده است و منشاء وجودش از بارگاه قدس الهی است، اگر به اندازه خردلی در وجود بشر رشد پیدا کند و آدمی با اتکاء به دین خدا و دستورهای پیامبر گونه عقل، آن را در وجود خود پرورش دهد، بسیاری از افعال زشت از او سر نخواهد زد و در مقابل به اندازه کرامتی که در خود پرورش داده است در خوبی‌ها به رویش باز می‌شود امام علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید هر کس از کرامت نفس برخوردار باشد، شهوات و زشتی‌ها نزد او بی‌ارزش و بی‌ثمر می‌شود.^۵

۲- اقسام کرامت

۲-۱- کرامت ذاتی

^۱ - باقری، فطرت و کرامت انسانی از منظر قرآن و امام، ص ۱۸۳.

^۲ - همان، ص ۱۸۳.

^۳ - اسراء: ۷۰.

^۴ - شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۳۱.

^۵ - مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۷۸.

انسان اختراع خداوند سبحان است، و خداوند او را طوری آفریده است که نسبت به سایر موجودات از لحاظ ساختمان وجودی ممتاز و دارای امکانات بیشتری است، خداوند هنگامی که انسان را اختراع کرد و با دستان قدرتش گل او را سرشت و از روحش در او دمید، ذات اقدسش را تهنیت و تبریک گفت و فرمود: « تُمْ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ » سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است.^۱

آفرین بر آن آفریننده‌ای که با قدرت بی‌نظیرش موجودی خلق کرد که بعد از هزاران هزار سال مخترعی به توانایی و حکمت او یافت نمی‌شود و او با دست توانایش علم و حکمت و لیاقت و شایستگی را در چنین موجود ناچیزی ایجاد کرد، که امروزه منشاء بسیاری از تولیدات شده است، خداوند انسان را گرمی داشته است و چیزی از او گرمی‌تر در جهان وجود ندارد.^۲

۲-۲- کرامت اکتسابی

تلاش برای کسب فضائل را خداوند در وجود انسان قرار داده است، یعنی خداوند فضائل را معرفی کرده و آثار و فواید آن را بیان نموده و راه رسیدن به آن را نیز به لطف خود مشخص کرده است، کرامت و ارزش دهی به خود از جمله اموری است که انسان باید برای رسیدن به آن تلاش کند و با رعایت بایدها و نبایدهایی که خداوند مشخص کرده است به این نعمت بزرگ دست پیدا بکند، این نعمتی است که برای همه انسان‌ها قابل رسیدن است و کافی است آنان تلاش کنند.^۳

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «خداوند در فرشتگان فقط عقل نهاده است و نه خواهش نفسانی، و در ستوران میل و خواهش نهاده است و عقل نه، و در بنی آدم هر دو را نهاده است. پس، آن که عقلش بر خواهشش چیره آید از فرشتگان بهتر است و هر که خواهشش بر خردش غالب شود از ستوران بدتر است».^۴

^۱ - مومنون: ۱۴.

^۲ - ناصری، مبانی انسان شناسی در قرآن، ص ۴۰.

^۳ - همان.

^۴ - نهج البلاغه، ح ۴۳۱.

اخلاق نیکو لازمه ی هر انسان مومن و مسلمان می باشد. و اخلاق به گونه ای مورد اهمیت واقع شده است که پیامبر با تمام عظمت و بزرگی هدف بعثت او برای یاد دادن و تکمیل فضائل اخلاق می باشد. لذا از دیگر نشانه های کرامت انسانی نیکویی خلق و پرهیز از پستی است. و انسانی خداوند کرامت به او بخشیده نمی تواند اخلاق ناپسند داشته باشد. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «الکرم حسن السجیه واجتناب الدئیّه؛ کرم و بزرگواری نیکویی خلق و پرهیز از پستی است.»^۱

۵-۵- شاکر بودن :

از نشانه های دیگر اهل کرامت شکرگزاری اوست. یکی از ویژگی های بندگان صالح خدا ارزشی به نام «شکرگزاری» است. از نگاه آموزه های دین و ارزش های انسانی اگر کسی خدمتی به شما کرد، نباید آن را از یاد برد و این خدمت را روزی جبران کرد. گاه انسان نمی تواند جبران کند، یا به خاطر اینکه توانایی او کم است و یا خدمتی که به او شده به قدری زیاد است که قابل جبران نیست، در این صورت حداقل باید با زبانش تشکر کند در غیر این صورت کفران نعمت کرده و مستحق زوال نعمت است. امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «الکریم یشکر القلیل واللئیم یکفر الجزیل» «شخص کریم به عطای کم هم شکر می گذارد و شخص پست، زیاد را هم کفران می کند.»^۲

۵-۶- نداشتن کینه :

یکی از صفات کرامت نداشتن کینه می باشد به همین دلیل افرادی همچون صاحب کرامت، اگر دشنام بشنوند سکوت پیشه کنند و اگر تهمت خوردند کریمانه پاسخ گویند. در دور باطل و مبتذل و شرم آور «دشنام در مقابل دشنام» پایه های اخلاقی جامعه در معرض هدم و نابودی قرار می گیرد و به عکس سکوت و کرامت در مقابل تهمت و لجن پراکنی حس انسانی را تحریک می کند و حق را نشان می دهد و آرامش می آورد و کینه توزی را به انزوا می کشاند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «لایکون الکریم حقوداً»؛ شخص کریم، کینه ورز و اهل حقد نخواهد بود.^۳

^۱ - تمیمی آمدی ، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۸۱.

^۲ - همان.

^۳ - محمدی ری شهری ، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۶۴۹.

۵-۷- نیکی کردن به والدین :

احترام به پدر و مادر هیچ محدوده و مرزی ندارد و شامل هر پدر و مادری می‌شود، حتی اگر مشرک باشند، هرچند اطاعت کردن از آنها مقید به عدم دعوت به شرک و ورزی از سوی آنان است، به همین دلیل یکی از خصلت‌های انسان اهل کرامت، نیکی و احترام به والدین خویش می‌باشد. به همین دلیل امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ مِنْ كَرَمِ الطَّبِيعَةِ»؛ از کرامت و داشتن طبع کریم آن است که به پدر و مادر نیکی کنید.^۱

^۱ - مجلسی، بحارالانوار ، ص ۳۷۶.

نتیجه

کرامت و نقش آن در خودسازی فردی از موضوعات مهم در حوزه قرآن و دین می باشد. و با توجه به اینکه این خصلت پسندیده در قرآن مورد تاکید واقع شده است؛ بنا شد که این تحقیق را نگارش کنیم. لذا با توجه به متن مقاله بیان کردیم که کرامت یکی از صفاتی است که به تنهایی قابل رشد در انسان نمی شود؛ و برای اینکه این صفت در انسان رشد و تعالی پیدا کند نیازمند صفت دیگه ای می باشد به نام تقوا، طبق آیه قرآنی «إِنْ أَرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ». با توجه به متن مقاله پی بردیم که کرامت دو نوع است یا ذاتی یا اکتسابی می باشد و برای داشتن آن نیز نیازمند چند شرط است که در متن به آن ها اشاره شد. و در آخر نیز بیان کردیم که کرامت انسانی می تواند باعث ایجاد تغییرات زیادی در ابعاد مختلف زندگی انسان ایجاد کند از جمله مواردی که به آن ها در متن مقاله به آن ها اشاره شد؛ خوش رویی، نجابت، نماز شب خواندن، امانت داری و ... می باشد. لذا به نظر می رسد آنچه که باعث می شود انسان به سمت صفات پسندیده گرایش پیدا کند وجود تقوا و کرامت در ذات و فطرت او می باشد.

منابع و مأخذ

*قرآن

*نهج البلاغه

الف) کتب فارسی

۱- اخلاقی، مرضیه، انسان شناسی در اندیشه امام خمینی، تهران، نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.

۲- اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات القرآن، قم، نشر ذوی الغربی، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ش.

۳- باقری، محمد حسین، فطرت و کرامت انسانی از منظر قرآن و امام، قم، نشر عروج، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.

۴- بهشتی، احمد، گلزار بی پایان، تهران، نشر سروش، چاپ اول، ۱۳۹۷ ش.

۵- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: مصطفی درایتی، قم، نشر ضریح آفتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

۶- جوادی، احمد، دائره المعارف قرآن کریم، قم، نشر شهید سعید محبی، چاپ ششم، ۱۳۸۵ ش.

۷- جوادی آملی، عبدالله، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، نشر اسرا، چاپ نهم، ۱۳۹۳ ش.

۸- _____، کرامت در قرآن، قم، نشر رجا، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.

۹- حقیقت پور، حسین، کرامت انسان، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ دوم، ۱۳۹۲ ش.

۱۰- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت دهخدا، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۷ ش.

- ۱۱- شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش.
 - ۱۲- طبرسی، علی بن حسن، مشکاه الانوار، ترجمه: مهدی هوشمند، قم، نشر دارالثقلین، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
 - ۱۳- قائمی، محمد مهدی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، تهران، نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
 - ۱۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ گوناگون، انتشارات اسلامیه، تهران، ج ۶۷، ص ۷۸.
 - ۱۵- مرادی، محمد، قرآن، انسان، وفاق، تهران، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
 - ۱۶- مطهری، مرتضی، انسان کامل، قم، نشر صدرا، چاپ شصتم، ۱۳۹۳ ش.
 - ۱۷- معین، محمد، فرهنگ لغت معین، تهران، نشر زرین، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
 - ۱۸- نصری، عبدالله، مبانی انسان شناسی، تهران، نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۹۴ ش.
 - ۱۹- _____، مبانی انسان شناسی در قرآن، تهران، نشر اندیشه، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.
- ب) کتب عربی
- ۲۰- الافریقی المصری، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ ششم، ۱۴۰۳ ق.